

مقدمه

خدای سبحان به روح مطهر امام عظیم الشان درود فرستد! روزی از روزهای تابستان در میانه دهه شصت، در حالی که در حیاط جماران در محضر ایشان نشسته بودم، پس از اینکه نصیحت چندباره خویش را مبنی بر اینکه «من آخوند شوم» تکرار فرمودند، از ایشان پرسیدم: «آخوندی چند سال طول می کشد»، فرمودند: «یک هفتاد سال». خانم امام لبخند زدند و گفتند: «آقا هنوز مشغول است». پرسیدم: در میان علوم حوزوی کدام را بیشتر دوست دارید؟ (یا چنین پرسیدم که کدام شیرین تر است) فرمودند: «فقه».

فقه علاوه بر اینکه علم «زندگی بهتر» است، علمی است شیرین که محتاج دقت‌های خاص خود است؛ دقت‌هایی که اگر چه از دقت‌های فلسفی عمیق‌تر نیست؛ ولی ساده‌تر از آن هم نیست؛ چرا که محتاج احاطه به مجموعه‌ای وسیع از روایات و اقوال و فروع مختلف در ابواب متفاوت است، و چنین است که تأمل و تتبع در فقه شیعه، به عنوان دستاورد عالمان بزرگ، نیازمند تلاش بسیار و حوصله فراوان است؛ تلاشی که گاه مسئله‌ای فقهی را بارور می‌کند و گاه قاعده‌ای فقه‌ای را تشکیل می‌دهد و زمانی مسئله‌ای اصولی را به سرانجام می‌رساند.

بر آشنایان به فقه پوشیده نیست که «اتمام حجت» در این علم، کاملاً وام‌دار اصول فقه است و اصول فقه، اگر چه می‌توان آن را در برخی مسائل، «فربه‌تر از نیاز» برشمرد؛ ولی قوام و بنیان احتجاج فقهی را سامان می‌دهد؛ فقیه غیر اصولی بر زمین

دیگران بذر تحقیق می افشاند و بر تار و پود اغیار، لباس زر افشان می نشانند، و از همین روست که همت عالمان دین در روزگاران گذشته و حال، بر مستحکم ساختن پایه های اصول فقه در کنار آراستن اندیشه های فقهی بوده است.

آنچه پیش روی شماست تلاش و همت برادرم جناب حجت الاسلام والمسلمین سید محمود صادقی است که بخش هایی از بحث هایی را که در این دو علم شریف داشتیم، به تقریر و تحقیق نشسته است. نخست بحثی است فقهی که برای تحقیق در یکی از متفردات فقهی امام عظیم الشان (قدس سره) آغاز کردیم و به پیروی ایشان به سرانجام رساندیم، و دو دیگر مسائلی است که پیرامون مباحث علم اصول مطرح ساخته بودیم.

برای ایشان آرزوی روزهای بهتر دارم و برای خوانندگان توفیق سعادت و بهروزی مسئلت می کنم.

سید حسن خمینی

سی ام مرداد ماه ۱۳۹۶

بیست و هشتم ذی القعدة ۱۴۳۸

قم المقدسه